

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

عرض کردیم که برای استدلال به این آیه شریفه نفر بر این مدعا که فتوا حجیت دارد و تقلید هم جایز است، نیاز به مقدماتی است. تا به حال سه مقدمه از آن مقدمات را بررسی کردیم.

بررسی مقدمه چهارم

مقدمه چهارم برای استدلال بر این مدعا این است که اولاً: «حذر» در «لعلهم يحذرون»، واجب است. ثانیاً: این «حذر» را حذر عملی قرار دهیم و مجرد یک خوف نفسانی نباشد. اما اگر گفتیم عنوان وجوب را ندارد، یا اگر گفتیم حذر واجب است اما مراد از این حذر در اینجا، عملی نیست و یک خوف نفسانی است، دیگر نمی‌توان به آیه شریفه بر این مدعا استدلال کرد.

حالا نکته اولی که باید بررسی شود این است که بالاخره این «حذر» در «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» آیا حذر واجب است یا نه؟

بیان مرحوم نائینی

یک بیانی را محقق نائینی در کتاب فوائد الاصول (ج 3، ص 185) دارد. ایشان فرموده است کلمه «لعل» در هر موردی که استعمال شود دلالت بر این دارد که ما بعد «لعل»، غایت برای ماقبلش است. ایشان عنوان غایت آورده است. پس در «وَلْيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»، طبق این قاعده که ایشان فرموده باید بگوییم این حذر، غایت برای انذار است.

سپس مرحوم نائینی فرموده‌اند فرقی نمی‌کند این غایتیت در تکوین باشد یا در تشریع، و همچنین فرقی نمی‌کند که ما بعد از لعل از افعال اختیاریه باشد یا از افعال غیر اختیاریه باشد.

آنگاه می‌فرمایند حالا که ما بعد از لعل غایت می‌شود برای ما قبل، اگر ما قبل عنوان مستحب را دارد، این هم می‌شود مستحب. اگر ما قبل عنوان واجب را دارد، مثل همین لينذروا که عنوان واجب است، این غایت آن هم می‌شود واجب.

پس از این راه که ما بعد از لعل عنوان غایت برای ما قبل از لعل را دارد، ایشان استفاده کرده‌اند که این «يحذرون» در آیه شریفه عنوان وجوبی را دارد.

بررسی بیان محقق نائینی

آیا این بیان ایشان درست است یا خیر؟ ممکن است در مقابل بیان ایشان ادعا کنیم که اگر موارد استعمال لعل را در همه جا یا اکثرش را بررسی کنیم، اگر در تمام موارد، استعمال ما بعد از لعل، غایت برای ما قبل باشد، این فرمایش صحیح است، اما اگر گفتیم ممکن است در بعضی از موارد استعمال لعل، ما بعدش غایت برای ما قبل نباشد، مثل آیه شریفه «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكُ»، که این «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكُ»، ما بعد از لعل غایت برای ما قبلش نیست، اگر اینطور گفتیم آن وقت می‌گوییم اینجا چه قرینه‌ای وجود دارد که در این «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» غایت باشد؟

بله ممکن است که بگوییم یکی از فوایدش این است، اما میان غایت و فایده فرق وجود دارد، ممکن است این «لعلهم يحذرون» یکی از فوایدش باشد، اما عنوان غایت برای اِنداز نباشد. اگر گفتیم غایت برای اِنداز است، معنایش این است که آنجایی که حذر وجوب پیدا نمی‌کند، اِنداز هم واجب نیست. اِنداز در جایی واجب است، که حذر حتماً تحقق پیدا کند، در حالی که ما خارجاً می‌دانیم این «وَلْيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» اِنداز واجب است، ولو این که مندرین یقین داشته باشند به این حد واقع نمی‌شود.

بنابراین این بیان مرحوم نائینی که ما از این راه بخواهیم استفاده کنیم که حذر عنوان وجوبی را دارد، ما از این راه نمی‌توانیم استفاده کنیم که در اینجا حذر، حذر واجب است. وقتی نتوانستیم وجوب حذر را استفاده کنیم، و گفتیم پایه استدلال بر این که فتوا حجیت دارد، یک پایه‌اش مبتنی بر این است که این حذر در اینجا واجب باشد، حالا اگر گفتیم این حذر در اینجا واجب نیست یا لا اقل در وجوبش تردید داشتیم، دیگر در این مسئله حجیت فتوا و جواز و مشروعیت تقلید را نمی‌توانیم استفاده کنیم.

نکته دوم این است که آیا در این آیه شریفه، مراد از این «حذر»؛ حذر عملی است؟ حذر فی مقام العمل مراد است یا مجرد همان خوف نفسانی است؟

بعضی بزرگان مثل مرحوم محقق خویی فرموده‌اند ما وقتی موارد استعمال کلمه حذر را تتبع می‌کنیم؛ اصلاً حذر مربوط به مقام عمل است. ایشان مثال زده و می‌فرمایند اگر کسی اسلحه خودش را بردارد برود بیرون، این کسی که این عمل را انجام می‌دهد، می‌گویند «تَحَذَّرَ عَنِ الْعَدُوِّ»؛ این از عدو تحذر می‌کند. حذر یک عنوانی مربوط به مقام عمل است.

حالا که اینچنین است، این حذر در «وَلْيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ حذر عملی است، وقتی حذر عملی شد، نتیجه این می‌شود که این فتوای مندرین حجیت دارد و تقلید این کسانی که تحذر پیدا می‌کنند آن هم مشروعیت دارد.

باز از مطالبی که مرحوم محقق نائینی در کتاب فوائد الاصول (ج3، ص185 به بعد) دارند، ایشان هم اصرار روی همین معنا دارند، می‌فرمایند مراد از حذر در اینجا؛ مجرد خوف نفسانی نیست، مراد حذر در مقام عمل است، که مرحوم نائینی تعبیر کرده از این حذر در مقام عمل، به حذر خارجی که الحاصل بالعمل.

نظر استاد در مقدمه چهارم

ما وقتی به لغت مراجعه می‌کنیم، در کتب لغت در بعضی از کتب لغه، حذر و تحذیر را به همان معنای خوف گرفته‌اند.

در کتاب مصباح اللغة دارد که «حذر الشيء إذا خافه»؛ حذر را به مجرد خوف گرفته‌اند.

در بعضی از کتب، لغویین دیگر هم همین‌طور گفته‌اند، اما بعضی از کسانی که در این الفاظ قرآن تحقیقاتی را دارند گفته‌اند واقع این است که بین خود کلمه «حذر» و کلمه «خوف» فرق وجود دارد، مطلق خوف را نمی‌توانیم بگوییم حذر است. حذر، آن عملی را می‌گویند که ناشی از خوف باشد. تعبیرشان این است حذر، تحرّز ناشی از خوف است.

تحذر؛ یعنی در مقام عمل انسان یک کاری انجام دهد که این ناشی از آن خوف نفسانی است. حالا این دیگر اجتهاد در لغت می‌شود و ما نمی‌توانیم به مجرد همین که این بیان را ذکر کرده‌اند بگوییم حتماً همین‌طور است، و بین حذر و خوف فرق وجود دارد.

معمولاً کتب لغت، حذر را به معنای همان خوف گرفته‌اند و نیامده‌اند حذر را مربوط به مقام عمل کنند و بگویند مراد از حذر همان خوف خارجی و همان عمل خارجی است. این هم که بگوییم بین حذر و خوف حتماً فرق وجود دارد، ما برای این مدعا هم دلیلی نداریم، بجز همین اجتهادی که در لغت می‌شود.

اجمالاً آن مقداری که ما از کتب لغت استفاده می‌کنیم؛ حذر، همان خوف است، همان خوف نفسانی هم هست و اگر این خوف نفسانی شد، پایه استدلال از بین می‌رود.

استدلال این است که بگوییم آیه شریفه می‌فرماید بعد از آنکه منذرین إنذار کردند، مردم هم عمل کنند، که هم حجیت قول منذرین و فتوای منذرین را از آیه بفهمیم و هم مشروعیت تقلید را از آیه بفهمیم.

پس نتیجه گرفتیم که مراد از حذر، همان خوف نفسانی است. اکثر کتب لغوی حذر را به معنای همان خوف و تخویف معنا کرده‌اند، کاری به مقام عمل و اینها هم ندارد. مرحوم آقای خوئی هم از استادشان مرحوم نائینی این مطلب را گرفته‌اند که یعنی حذر خارجی یعنی فی مقام العمل، بدون این که مرحوم نائینی هم بر این مدعا دلیل اقامه بفرمایند.

نکته‌ای که اینجا باید به آن توجه شود و در کلمات به این توجه نشده این مقداری که من کتب را دیدم این است: آیا اصلاً این حرف درست است که بگوییم اگر این حذر در اینجا حذر در مقام عمل باشد، مدعا ثابت می‌شود، مدعا یعنی حجیت فتوای مجتهد و مشروعیت تقلید از مجتهد. اما اگر حذر در اینجا به معنای خوف نفسانی باشد و ربطی به مقام عمل نداشته باشد، اینجا باز مدعا ثابت نیست.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين